

به نام یزدان پاک

همه سوال های

دکترای تخصصی (Ph.D)

مطالعات زنان

۱۴۰۴ - ۱۴۰۵

گردآورندگان

گروه مولفین پردازش

سرشناسه	: گروه مولفین
عنوان و پدیدآور	: همه سوال‌های دکترای تخصصی مطالعات زنان / گردآورندگان: گروه مولفین پردازش
مشخصات نشر	: تهران: پردازش
مشخصات ظاهری	: ص: ۲۲×۲۹ س.م.
فروست	: همه سوال‌های دکترای تخصصی

حق چاپ محفوظ و متعلق به ناشر است.

همه سوال‌های دکترای تخصصی (Ph.D) – مطالعات زنان ۱۴۰۵ – ۱۴۰۴

گردآورندگان	: گروه مولفین پردازش
ناشر	: پردازش
چاپ اول	: ۱۴۰۵
تعداد	: ۱۰۰
حروفچینی	: پردازش
چاپ و صحافی	: پردازش
قیمت	: ۳۰۰۰۰۰۰ تومان

نشر پردازش

تهران: میدان انقلاب، خیابان فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری، روبه‌روی اداره پست، پلاک ۱۳۲ و ۱۳۰ ساختمان پردازش

تلفن : ۶۶۹۷۵۵۶۶ (۱۰۰ خط) دورنگار: ۶۶۴۰۷۴۰۸

www.Pardazesh.org

سایت برتر کشور در چهارمین و پنجمین همایش ملی تجارت الکترونیک

فهرست مطالب

پیش گفتار ۷

آزمون دکترای مطالعات زنان ۱۴۰۴

زن در قرآن ۹

پاسخ نامه زن در قرآن ۱۱

حقوق زن ۳۳

پاسخ نامه حقوق زن ۳۵

جامعه شناسی جنسیت ۷۲

پاسخ نامه جامعه شناسی جنسیت ۷۴

آیین دادرسی کیفری و مدنی ۱۱۱

پاسخ نامه آیین دادرسی کیفری و مدنی ۱۱۴

آزمون دکترای مطالعات زنان ۱۴۰۵

زن در قرآن ۱۶۴

پاسخ نامه زن در قرآن ۱۶۶

حقوق زن ۱۸۹

پاسخ نامه حقوق زن ۱۹۱

جامعه شناسی جنسیت ۲۱۰

پاسخ نامه جامعه شناسی جنسیت ۲۱۳

آیین دادرسی کیفری و مدنی ۲۳۵

پاسخ نامه آیین دادرسی کیفری و مدنی ۲۳۸

منابع ۲۶۳

آزمون دکترای مطالعات زنان ۱۴۰۵

زن در قرآن



۷۱. در آیه شریفه «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ» به کدام نوع طلاق به طور مستقیم اشاره شده است؟
 (۱) بائن (۲) رجعی (۳) خلع (۴) مبارات
۷۲. آیه شریفه «وَالْخَامِسَةَ أَنْ لَعَنَتَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» مربوط به کدام مورد است؟
 (۱) سوگند زن در ایلاء (۲) گواهی زن در لعان (۳) شهادت مرد در لعان (۴)ظهار مرد نسبت به همسر
۷۳. آیه شریفه «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ» بیانگر کدام اصل مهم در خلقت است؟
 (۱) مقام و موقعیت اجتماعی زن و مرد در اسلام برابر است.
 (۲) در احکام مشترک میان زن و مرد، مراعات حال زنان شده است.
 (۳) اساسی که اسلام احکام و حقوق را بر آن تشریع کرده همانا فطرت است.
 (۴) زنان برای پرورش نوع بشر، احکام خاصی دارند که آنان را از مردان ممتاز کرده است.
۷۴. در آیه شریفه «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ» منظور از «محصنات» کدام گروه از زنان است؟
 (۱) دانشمند (۲) مسلمان (۳) عفیف (۴) آزاد و غیرکنیز
۷۵. توجه به آیه شریفه «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ» کدام مورد را برای همگان روشن می‌سازد؟
 (۱) در میان زنان و مردان اختلافات طبیعی و فطری وجود دارد.
 (۲) زن مستقل و متکی بر خویش است و اراده و عمل او از مرد جداست.
 (۳) زنان فقط در مسائل اجتماعی تحت ولایت و قیمومت مردان هستند.
 (۴) مشترک‌بودن زنان و مردان در مواهب وجودی نشان‌دهنده یکسانی در خلقت آنهاست.
۷۶. عبارت قرآنی «لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ» به کدام مورد اشاره دارد؟
 (۱) جواز عضل صداق (۲) قطع رابطه همسری
 (۳) حرمت زنان مؤمن بر مردان کافر (۴) حرمت مردان مؤمن بر زنان کافر
۷۷. مطابق روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) کدام عبارت قرآنی به عقد نکاح اشاره نموده است؟
 (۱) «يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (۲) «لَتَنْدِبُوا بَعْضُ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ»
 (۳) «وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (۴) «فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»
۷۸. برخلاف نظر دوران جاهلیت که فرزندان را ملحق به پدران می‌دانستند، کدام عبارت قرآنی بر آثار خویشاوندی از طریق زنان دلالت نموده است؟
 (۱) إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ (۲) نِسَاؤُكُمْ حَرْثُ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنِّي شِئْتُمْ
 (۳) حَرِّمْتُ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتَكُمْ وَبَنَاتَكُمْ (۴) وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ
۷۹. آیه شریفه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْنَ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» کدام واقعیت اجتماعی را بیان نموده است؟
 (۱) اختلاف در فطرت زنان و مردان، تفاوت و وظایف آنان را توجیه می‌کند.
 (۲) وظیفه برخورد مناسب و امر به معروف در یک جامعه بر عهده همه مردان و زنان است.
 (۳) اسلام در عین پذیرش اختلاف طبیعی میان زنان و مردان، به تساوی حقوق آنها تصریح می‌کند.
 (۴) با توجه به وظایف اجتماعی بیشتر مردان در جامعه، حقوق بیشتری برای آنان در نظر گرفته شده است.



۸۰. با توجه به آیه شریفه «وَرَبَّائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِنْ لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ...» کدام مورد درست است؟

- (۱) ازدواج با ربیبه‌ای که با مادرش زناشویی کرده حرام است.
 - (۲) ازدواج ناپدری با ربیبه‌ای که در دامن آن ناپدری پرورش نیافته حلال است.
 - (۳) این آیه مربوط به زمانی است که ربیبه در منزل ناپدری باشد و ابدی نیست.
 - (۴) قید «فِي حُجُورِكُمْ» احترازی است و لذا حکمی از این آیه برداشت نمی‌شود.
۸۱. از عبارت قرآنی «بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ» کدام دیدگاه اسلام فهمیده می‌شود؟

- (۱) زنان و مردان دارای خلقت و فطرت یکسان و مشابه هستند.
 - (۲) زنان و مردان با وجود تفاوت وجودی دارای حقوق یکسان است.
 - (۳) جامعه بشری همان مقدار که به مردان نیازمند است به زنان محتاج است.
 - (۴) تنها تفاوت خلقت زنان و مردان در جسم است لذا دارای فطرت یکسانی هستند.
۸۲. از عبارت «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» در آیه شریفه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» کدام مورد فهمیده می‌شود؟

- (۱) رجحان بالجمله یعنی جنس مرد بر جنس زن قیومت دارد.
 - (۲) رجحان فی الجمله یعنی جنس مرد بر جنس زن قیومت دارد.
 - (۳) رجحان بالجمله یعنی بعضی مردان بر بعضی زنان فضیلت دارند.
 - (۴) رجحان فی الجمله یعنی بعضی مردان بر بعضی زنان فضیلت دارند.
۸۳. دستور «وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لَتَذَهَبُوا بِبَعْضٍ مَّا آتَيْتُمُوهُنَّ» مردان را از کدام رفتار جاهلانه نهی می‌کند؟

- (۱) سخت‌گیری بر زنان برای فسخ نکاح و بخشیدن چیزی از مهریه
 - (۲) رفتن از کنار خانواده و همسران برای رسیدن به خوشی زودگذر
 - (۳) جدانمودن زنان از فرزندان برای راضی شدن به بخشش مهریه‌شان
 - (۴) دشوار گرفتن امور اقتصادی بر خانواده برای ایجاد اطاعت و قیومت
۸۴. در موضوع بیعت با پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) عبارت قرآنی «وَلَا يَأْتِيَنَّ بِهِنَّ أَن يَفْتَرِيَنَّهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَآرْجُلَيْهِنَّ» به منع کدام عمل قبیح به عنوان شرط بیعت اشاره شده است؟

- (۱) سرقت و دزدی از همسران
 - (۲) عصیان و نافرمانی از رسول خدا
 - (۳) نسبت دادن فرزند نامشروع به همسر
 - (۴) شراکت اوئان و اصنام با خداوند
۸۵. در پاسخ به جسارت برخی از بنی اسرائیل به حضرت مریم (سلام الله علیها) و بهتان عظیم به ایشان، قرآن کریم چگونه او را ستوده است؟

- (۱) «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»
- (۲) «وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتُكَ»
- (۳) «كَأَنَّا تَحْتَ عِبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ»
- (۴) «الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُّوحِنَا»

موضوع سوال:

این سؤال مستقیماً به آیه ۲۲۹ سوره مبارکه بقره (مدنی) اشاره دارد. خداوند در این آیه می‌فرماید: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ ۖ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ» (طلاق رجعی که حق بازگشت در آن محفوظ است] دو بار است؛ پس از آن، یا نگه‌داشتن [همسر] به نیکی و سازش، یا رها کردن او به زیبایی و احسان). موضوع محوری سؤال، تشخیص نوع طلاقی است که در آن زوج حق «امساک» (نگه داشتن و رجوع) را پیش از اتمام عده دارد. گزینه ۲ (رجعی) کاملاً با ماهیت این آیه منطبق است.

سیاق نزول و تقابل با جاهلیت

در دوران جاهلیت پیش از اسلام، مردان حق داشتند همسران خود را به دفعات نامحدود طلاق داده و مجدداً در زمان عده به آن‌ها رجوع کنند. این عمل غالباً نه برای اصلاح رابطه، بلکه به قصد آزار، بلامتکلیف گذاشتن و حبس زن انجام می‌شد. با نزول این آیه، قرآن کریم این سنت ظالمانه جاهلی را منسوخ کرد و تعداد دفعات طلاق قابل رجوع را به «دو بار» محدود ساخت تا زن از اسارت و بلامتکلیفی ابدی رهایی یابد و کرامت او حفظ شود.

پاسخ تشریحی:

دلیل تخصصی انتخاب گزینه «رجعی» در عبارت «فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ» نهفته است. در فقه اسلامی و تفاسیر معتبر، «امساک» به معنای بازگشت به زندگی زناشویی بدون نیاز به عقد و مهریه جدید در ایام عده است. چنین حقی منحصراً در «طلاق رجعی» برای زوج تعریف شده است. وقتی آیه می‌فرماید پس از طلاق اول و دوم، شوهر مخیر است که یا به شایستگی همسرش را نگه دارد (رجوع کند) و یا به نیکی او را رها سازد (بگذارد عده تمام شود)، صراحتاً در حال توصیف مکانیسم طلاق رجعی است. پس از طلاق سوم، دیگر حق امساک وجود ندارد و طلاق به شکل بائن از نوع سوم (سه طلاقه) درمی‌آید.

شبکه معنایی و تفسیر قرآن به قرآن

مفهوم این آیه با آیه قبل از خود (بقره/۲۲۸) که می‌فرماید: «وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا» (و شوهرانشان در بازگرداندن آن‌ها [در زمان عده] سزاوارترند، اگر قصد اصلاح داشته باشند)، در یک شبکه معنایی پیوسته قرار دارد. حق «رَدّ» در آیه ۲۲۸، دقیقاً همان حق «إِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ» در آیه ۲۲۹ است که هر دو مؤید احکام طلاق رجعی هستند.

پیوستار فقهی و حقوقی (تجلی آیات در قوانین)

مفهوم این آیه شریفه مستقیماً به قانون مدنی ایران راه یافته است. ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی صراحتاً مقرر می‌دارد: «در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع است.» همچنین محدودیت تعداد طلاق که در صدر آیه (مرتان) آمده، مبنای ماده ۱۱۴۵ قانون مدنی قرار گرفته است که طلاق سوم را پس از سه وصلت متوالی، در زمره طلاق‌های بائن دسته‌بندی می‌کند.

بررسی سایر گزینه ها:

- **گزینه ۱ (بائن):** در طلاق بائن، رابطه زوجیت کاملاً قطع می‌شود و مرد در ایام عده (در صورت وجود عده) حق رجوع و «امساک» ندارد. بازگشت در این نوع طلاق منوط به عقد و مهریه جدید است، بنابراین با مفهوم «فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ» در تضاد است.
- **گزینه ۳ (خلع):** طلاق خلع، نوعی طلاق بائن است که به واسطه کراهت زن از شوهر و با بذل مهریه یا مالی دیگر به زوج محقق می‌شود. اگرچه در ادامه همین آیه (بقره/۲۲۹) به موضوع خلع اشاره شده است («فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ»)، اما صدر آیه که مورد سؤال است، به طلاق رجعی می‌پردازد.
- **گزینه ۴ (مبارات):** مبارات نیز نوعی طلاق بائن است که مبتنی بر کراهت دوطرفه (هم زن و هم مرد) است. در این نوع طلاق نیز مرد حق رجوع یک‌طرفه (امساک) ندارد و لذا نمی‌تواند پاسخ صحیح باشد.

اصطلاحات تخصصی

- **مَرَّتَانٍ:** در لغت به معنای «دو بار». در اصطلاح فقهی نشان‌دهنده محدودیت دفعاتی است که شارع برای طلاق قابل رجوع در نظر گرفته است.
- **إِمْسَاكٌ:** از ریشه «مسک»، به معنای نگه داشتن و چنگ زدن. در ادبیات قرآنی حقوق خانواده، کنایه از تداوم بخشیدن به پیوند زناشویی و رجوع در زمان عده است.



- تشریح: از ریشه «سرح»، به معنای رها کردن و آزاد ساختن. در اینجا به معنای اجازه دادن برای پایان یافتن ایام عده و جدایی کامل است.

راه حل تستی:

کلمه کلیدی در این سؤال، واژه «امساک» است. طراح می‌خواهد بداند آیا داوطلب می‌داند که اختیار نگه داشتن یک‌طرفه همسر پس از طلاق، تنها مختص به یک نوع طلاق است؟ با دیدن «امساک»، بلافاصله باید تمام طلاق‌های بائن (گزینه‌های ۱، ۳ و ۴) را خط بزنید، زیرا در طلاق بائن (اعم از خلع و مبارات) حق امساک و رجوع یک‌طرفه برای مرد وجود ندارد.

جدول مقایسه‌ای:

ویژگی شاخص	طلاق رجعی (موضوع آیه)	طلاق بائن (خلع، مبارات، طلاق قبل از دخول)
حق رجوع مرد در عده	دارد (إِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ)	ندارد (مگر زن از بذل خود منصرف شود)
وضعیت نفقه در عده	بر عهده مرد است (زن در حکم زوجه است)	زن حق نفقه ندارد (مگر باردار باشد)
نیاز به عقد مجدد برای بازگشت	ندارد	دارد

۷۲. گزینه ۳

موضوع سوال:

این سؤال مستقیماً به آیه ۷ سوره مبارکه نور (مدنی) اشاره دارد. خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ»؛ یعنی «و پنجمین (گواهی این است) که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد». موضوع محوری سؤال، تشخیص دقیق گوینده این سوگند در فرایند حقوقی و شرعی خاصی در روابط زوجین است. با توجه به ضمیر مذکر «عَلَيْهِ» (بر او)، این آیه صراحتاً به مرحله پایانی گواهی و شهادت مرد (شوهر) در اثبات ادعای خود علیه همسرش اشاره می‌کند.

سیاق نزول و تقابل با جاهلیت

شان نزول آیات ابتدایی سوره نور (آیات ۶ تا ۹) به زمانی بازمی‌گردد که یکی از صحابه (هلال بن امیه) همسر خود را به عمل منافی عفت متهم کرد، اما شهادی جز خود نداشت. طبق احکام اولیه حد قذف، هرکس چنین اتهامی وارد کند و چهار شاهد نیابد، باید هشتاد ضربه شلاق بخورد. این حکم برای شوهری که با چشم خود خیانت را دیده اما شهادی ندارد، بن‌بست بزرگی بود و در فرهنگ جاهلی نیز راه‌حلی عادلانه برای آن وجود نداشت. در این هنگام آیات «لعان» نازل شد تا گره از این مشکل فقهی بگشاید و ضمن حفظ آبروی طرفین، جایگزینی برای چهار شاهد عادل در محیط خانواده ارائه دهد.

پاسخ تشریحی:

دلیل تخصصی انتخاب گزینه «شهادت مرد در لعان»، ساختار دقیق آیات ۶ و ۷ سوره نور است. هنگامی که مردی همسر خود را به زنا متهم می‌کند (یا فرزند متولد شده را از خود نفی می‌نماید) و شهادی ندارد، برای رهایی از حد قذف باید فرایند «لعان» (ملاعنه) را اجرا کند. این فرایند شامل پنج مرحله برای مرد است: او ابتدا چهار بار خدا را گواه می‌گیرد که در ادعایش راستگوست (أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ)، و در مرحله پنجم (الْخَامِسَةَ) لعنت خدا را بر خود قرار می‌دهد اگر دروغگو باشد (أَنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ). کاربرد واژه «لَعْنَةُ» و ضمیر «عَلَيْهِ» انحصاراً مربوط به شوهر است.

شبکه معنایی و تفسیر قرآن به قرآن

برای درک کامل این منظومه، باید این آیه را با دو آیه پس از آن (آیات ۸ و ۹ سوره نور) پیوند داد که راه‌حل دفاعی زن را مطرح می‌کند. قرآن برای زن نیز حق دفاع قائل شده است تا از مجازات‌های یابد. زن نیز در پاسخ، چهار بار خدا را گواه می‌گیرد که مرد دروغ می‌گوید، و در مرتبه پنجم می‌گوید: «وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (و بار پنجم بگوید که غضب خدا بر او باد اگر آن مرد از راستگویان باشد). تقابل کلمه «لَعْنَةُ» برای مرد و «غَضَبٌ» برای زن، یکی از شاهکارهای شبکه معنایی قرآن در تفکیک احکام زن و مرد در این فرایند است.

پیوستار فقهی و حقوقی (تجلی آیات در قوانین)

نهاد حقوقی «لعان» دقیقاً از همین آیات استخراج شده و وارد قانون مدنی ایران گردیده است. ماده ۱۰۵۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «تفریقی که با لعان حاصل می‌شود، موجب حرمت ابدی است.» این یعنی پس از اجرای سوگندهای پنجم مندرج در آیه مورد بحث، زن و شوهر بدون نیاز به صیغه طلاق، فوراً از یکدیگر جدا شده و برای همیشه بر هم حرام می‌گردند. همچنین مواد ۸۸۸ و ۸۸۹ قانون مدنی به قطع رابطه توارث میان پدر و فرزندی که مورد نفی ولد در فرایند لعان قرار گرفته، اشاره دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱ (سوگند زن در ایلاء):** ایلاء (مذکور در آیه ۲۲۶ سوره بقره) سوگندی است که «مرد» یاد می‌کند تا با همسر خود نزدیکی نکند، و اساساً ربطی به سوگند زن ندارد.
- **گزینه ۲ (گواهی زن در لعان):** همان‌طور که در شبکه معنایی اشاره شد، سوگند پنجم زن با واژه «غَضَبَ» و ضمیر مؤنث «عَلَيْهَا» بیان می‌شود (أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا)، در حالی که آیه صورت سؤال دارای کلمه «لُعْنَةً» و ضمیر مذکر «عَلَيْهِ» است.
- **گزینه ۴ (ظهار مرد نسبت به همسر):** ظهار (مذکور در سوره مجادله) یک سنت جاهلی بود که مرد به همسرش می‌گفت «پشت تو برای من همچون پشت مادرم است» تا او را بر خود حرام کند. در ظهار هیچ‌گونه سوگند پنج‌گانه و لعنتی وجود ندارد و سازوکار آن کاملاً متفاوت است.

اصطلاحات تخصصی

- **لعان:** در لغت از ریشه «لَعَنَ» (دور کردن از رحمت) گرفته شده است. در اصطلاح فقهی، مباحله و نفرین متقابل زوجین در حضور حاکم شرع برای اثبات ادعای خیانت یا نفی فرزند است.
 - **خامسه:** به معنای مرحله یا مرتبه پنجم. عددی که فرایند شرعی سوگندها را مختوم کرده و اثر حقوقی قطعی (جدایی و حرمت ابدی) ایجاد می‌کند.
 - **قذف:** نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر، که در صورت عدم اثبات، موجب اجرای حد شرعی بر گوینده می‌شود.
- راه حل تستی:

سریع‌ترین راه برای رسیدن به پاسخ در این تست، توجه به ضمیر عربی «عَلَيْهِ» است. ضمیر «ه» در ادبیات عرب مختص مفرد مذکر (مرد) است. بنابراین گزینه‌های ۱ و ۲ (که مربوط به زن هستند) در کسری از ثانیه حذف می‌شوند. از بین گزینه‌های ۳ و ۴، چون واژه «لعنت» در متن آیه آمده و ریشه کلمه «لعان» نیز از همان است، پاسخ قطعاً گزینه ۳ خواهد بود.

جدول مقایسه‌ای:

مقایسه مراحل لعان	شهادت مرد (ادعاکننده)	شهادت زن (دفاع‌کننده)
تعداد گواهی به نام خدا	چهار بار (إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ)	چهار بار (إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ)
محتوای سوگند پنجم	لعنت خدا بر من، اگر دروغ بگویم	غضب خدا بر من، اگر او راست بگوید
واژه کلیدی اختصاصی در آیه	لُعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ	غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا
اثر حقوقی فوری	سقوط حد قذف از مرد	سقوط مجازات (حد زنا) از زن

۷۳. گزینه ۳)

موضوع سوال:

این سؤال به بخش میانی آیه ۳۲ سوره مبارکه نساء (مدنی) می‌پردازد. متن کامل آیه چنین است: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۚ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا ۚ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ...» (و آنچه را خداوند به سبب آن، برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داده، آرزو نکنید. مردان را از آنچه به دست آورده‌اند بهره‌ای است و زنان را [نیز] از آنچه به دست آورده‌اند بهره‌ای است). این آیه به صراحت به تفاوت‌های تکوینی و تشریعی اشاره دارد و بیان می‌کند که حقوق و بهره‌های هر جنس، متناسب با ساختار وجودی و دستاوردهای واقعی او تنظیم شده است که ریشه در اصل اصیل «فطرت» دارد.



سیاق نزول و تقابل با جاهلیت

در عصر جاهلیت، زنان از حقوق اولیه اقتصادی و مالکیت محروم بودند و غالباً خود بخشی از ماترک (ارث) به شمار می‌رفتند. با ظهور اسلام و تشریع احکامی نظیر ارث زن و استقلال مالی، سؤالاتی در ذهن برخی مسلمانان شکل گرفت. بر اساس روایات، برخی زنان (مانند ام‌سلمه) آرزو می‌کردند کاش مرد بودند تا در جهاد شرکت می‌کردند و ارث کامل می‌بردند، و متقابلاً برخی مردان نیز امتیازاتی را طلب می‌کردند. این آیه نازل شد تا این تفکر جاهلی و مقایسه‌های نابجا را منسوخ کند و یک تأسیس نوین بنا نهد: عدالت جنسیتی در اسلام به معنای «تشابه» احکام نیست، بلکه به معنای «تناسب» احکام با سرشت و فطرت هر جنس است.

پاسخ تشریحی:

دلیل علمی و تخصصی انتخاب گزینه ۳، انطباق کامل آن با مبانی تفسیری متفکران اسلامی نظیر علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» و استاد مطهری در «نظام حقوق زن در اسلام» است. از منظر اسلام، قانون‌گذاری (تشریع) باید دقیقاً بر نقشه آفرینش (تکوین) منطبق باشد. تفاوت‌های حقوقی میان زن و مرد (مانند تفاوت در ارث، نفقه یا جهاد) ناشی از تبعیض نیست، بلکه زائیده تفاوت‌های طبیعی، روانی و جسمی (فطرت) آن‌هاست. عبارت «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ... وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ» تأکید می‌کند که هر یک از دو جنس، بر اساس ظرفیت‌های فطری و تلاش‌های اکتسابی خود، سهم و نصیب عادلانه‌ای دارند و زیربنای این تفاوت‌ها و حقوق، همان ساختار فطری خلقت است.

شبکه معنایی و تفسیر قرآن به قرآن

مفهوم این آیه با آیه ۳۰ سوره روم (فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ) پیوندی عمیق دارد. در واقع، آیه سوره روم بیان می‌کند که دین استوار دینی است که بر اساس فطرت بنا شده باشد، و آیه ۳۲ سوره نساء، تجلی و مصداق همین دین استوار در حوزه حقوق و اقتصاد زنان و مردان است. همچنین با آیه ۳۴ سوره نساء (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ...) شبکه‌ای را می‌سازد که نشان می‌دهد مسئولیت‌ها و فضیلت‌ها متناسب با ظرفیت‌های ذاتی توزیع شده‌اند.

پیوستار فقهی و حقوقی (تجلی آیات در قوانین)

این آیه، مستحکم‌ترین پایه و مستند قرآنی برای اثبات «استقلال مالی زن» در فقه اسلامی است. بر خلاف حقوق غرب که تا اواخر قرن نوزدهم به زنان شوهردار حق مالکیت مستقل نمی‌داد، این آیه صراحتاً مالکیت زن بر دستاوردهایش را به رسمیت شناخت. تجلی بارز این آیه در نظام حقوقی ایران، ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد: «زن مستقلاً می‌تواند در دارائی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند».

بررسی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱:** در اسلام، مقام انسانی و کرامت زن و مرد برابر است، اما استفاده از واژه «موقعیت اجتماعی برابر» در این گزینه انحرافی است، زیرا اسلام تفاوت نقش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی (مانند قوامیت یا جهاد) را بر اساس همان تفاوت‌های فطری پذیرفته است. آیه نیز در مقام نفی تشابه مطلق است.
- **گزینه ۲:** هرچند اسلام در احکام خود مراعات حال زنان را کرده است، اما عبارت «لِّلرِّجَالِ... وَلِلنِّسَاءِ...» ناظر به یک اصل بنیادین دوطرفه (تناسب تکوین و تشریع) است، نه صرفاً ارفاق یا مراعات حال یک طرف خاص.
- **گزینه ۴:** این گزینه اگرچه در جای خود حرف صحیحی است (احکام خاص مادرانه)، اما آیه مورد بحث دایره شمول بسیار وسیع‌تری دارد و ناظر به مطلق دستاوردها (اکتسابات اقتصادی و معنوی) برای هر دو جنس است، نه صرفاً احکام مربوط به پرورش نوع بشر.

اصطلاحات تخصصی

- **نَصِيب:** بهره، سهم و حظ. مقداری که به صورت عادلانه و بر اساس استحقاق به فرد تعلق می‌گیرد.
- **اِكْتَسَبُوا / اِكْتَسَبْنَ:** از ریشه «کسب». در ادبیات قرآنی هم شامل اکتسابات مادی (مانند ثروت، ارث و مهریه) و هم اکتسابات معنوی (مانند ثواب و درجات اخروی) می‌شود.
- **فطرت:** نوع خاص آفرینش. سرشت و طبیعت اولیه‌ای که خداوند در نهاد انسان‌ها قرار داده است.



راه حل تستی:

ارتباط کلمات در صورت سؤال کلید حل معماست. در صورت سؤال عبارت «اصل مهم در خلقت» آمده است. طراح با این کلمه، کُد پاسخ را به شما داده است. معادل دقیق کلمه «خلقت و آفرینش» در ادبیات اسلامی و در میان گزینه‌ها، کلمه «فطرت» (گزینه ۳) است. سایر گزینه‌ها به جای اشاره به ریشه و اصل آفرینش، به پیامدهای اجتماعی یا ارفاقات فقهی پرداخته‌اند.

جدول مقایسه ای:

مفهوم‌شناسی عدالت جنسیتی در آیه ۳۲ نساء	توضیحات تکمیلی
تکوین (نظام آفرینش)	تفاوت‌های طبیعی، بیولوژیک و روان‌شناختی میان زن و مرد (فطرت)
تشریع (نظام حقوقی)	تفاوت در احکام، حقوق و تکالیف (مثل ارث، نفقه، مدیریت خانواده)
نقطه اتصال (عدالت)	همانگی کامل تکوین و تشریع. قانون‌گذار دقیقاً متناسب با ابزار فطری، تکلیف خواسته است.

۷۴. گزینه ۳)

موضوع سوال:

این سؤال به بخشی از آیه ۵ سوره مبارکه مائده (مدنی) استناد می‌کند. خداوند در این آیه در مقام بیان حلال‌های الهی در باب ازدواج می‌فرماید: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ» (و... زنان پاکدامن از مسلمانان، و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما به آن‌ها کتاب آسمانی داده شده، حلال‌اند؛ هنگامی که مهر آنان را بپردازید و پاکدامن باشید، نه زناکار و نه دوست پنهانی گیرنده). موضوع محوری سؤال، تشخیص دقیق معنای واژه چندوجهی «محصنات» در این سیاق خاص است که بر ویژگی «عفت و پاکدامنی» برای جواز ازدواج دلالت دارد.

سیاق نزول و تقابل با جاهلیت

در فرهنگ جاهلی پیش از اسلام، مرزهای عفت در روابط زناشویی بسیار مخدوش بود. پدیده‌هایی نظیر «مسافحه» (زناى علنی) و «اتخاذ اخدان» (گرفتن معشوقه و دوست پنهانی) رواج داشت و حتی گاهی مایه افتخار شمرده می‌شد. قرآن کریم با نزول این آیه، خط بطلانی بر این رسوم جاهلی کشید و شرط اساسی و بنیادین در تشکیل خانواده را «عفاف» (احسان) از جانب هر دو طرف (زن و مرد) قرار داد. تأکید بر ازدواج با زنان «عفیف» (چه مسلمان و چه اهل کتاب)، در حقیقت پایه‌گذاری یک جامعه سالم مبتنی بر طهارت نسل است.

پاسخ تشریحی:

دلیل تخصصی و علمی انتخاب گزینه «عفیف»، تحلیل لغوی و سیاقی آیه است. در ادبیات قرآنی، واژه «محصنه» (جمع آن محصنات) بسته به قرائن کلام، در سه معنای متفاوت به کار می‌رود: ۱. زن شوهردار، ۲. زن آزاد (غیر کنیز)، ۳. زن عفیف و پاکدامن.

در این آیه خاص (مائده/۵)، از آنجا که آیه در مقام بیان زنانی است که ازدواج با آن‌ها «حلال» است، قطعاً معنای اول (زن شوهردار) منتفی است، زیرا ازدواج با زن شوهردار حرام مؤکد است. از سوی دیگر، در ذیل همین آیه، کلمات «مُسَافِحِينَ» (زناکاران علنی) و «مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ» (دوست پنهانی گیرندگان) آمده است. تقابل معنایی «محصنات» با این دو واژه که صراحتاً به بی‌عفتی اشاره دارند، به روشنی ثابت می‌کند که منظور از «محصنات» در این آیه، زنان «عفیف و پاکدامن» است. مفسران بزرگی چون علامه طباطبایی در المیزان نیز تصریح کرده‌اند که قرینه مقابله در این آیه، معنای عفت را متجلی می‌سازد.

شبکه معنایی و تفسیر قرآن به قرآن

زیبایی شبکه معنایی قرآن در این است که همین واژه «محصنات» در آیات دیگر معنای متفاوتی دارد. برای مثال، در آیه ۲۴ سوره نساء می‌فرماید: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ...» که در آنجا به معنای «زنان شوهردار» است (یعنی ازدواج با زنان شوهردار حرام است). یا



در آیه ۲۵ سوره نساء می‌فرماید: «فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ» که در آنجا منظور از محصنات، «زنان آزاد (غیر کنیز)» است. طراح سؤال با احاطه بر این تنوع معنایی، دقیقاً استثنای سوره مائده را هدف قرار داده است.

پیوستار فقهی و حقوقی (تجلی آیات در قوانین)

شرط «عفت» در ازدواج که از این آیه استنباط می‌شود، در فقه اسلامی دارای آثار وضعی است. فقهای امامیه با استناد به آیاتی نظیر آیه مورد بحث و آیه ۳ سوره نور (الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً...)، ازدواج با زنی که مشهور به زناست (مشهوره بالزنا) را پیش از توبه وی، حرام یا مکروه شدید می‌دانند. این رویکرد فقهی نشان می‌دهد که عفت تنها یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه در نظام حقوق خانواده اسلام یک رکن مؤثر در جواز و صحت نکاح محسوب می‌گردد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱ (دانشمند):** واژه «محصنه» از ریشه «ح-ص-ن» (به معنای دژ و قلعه) است و از نظر لغوی و ریشه‌شناسی هیچ ارتباطی با علم و دانشمندی (ریشه ع-ل-م) ندارد.
- **گزینه ۲ (مسلمان):** عبارت قرآنی در صورت سؤال این‌گونه است: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ» (محصنات از میان زنان مؤمن/مسلمان). اگر محصنات به معنای «مسلمان» بود، ترکیب آیه دچار حشو و تکرار بی‌معنا (مسلمانانی از میان مسلمانان!) می‌شد.
- **گزینه ۴ (آزاد و غیر کنیز):** هرچند «زن آزاد» یکی از معانی محصنات در قرآن (مانند بقره/۲۵) است، اما در آیه ۵ سوره مائده به دو دلیل این معنا ضعیف است: نخست آنکه در ادامه آیه ازدواج با زنان اهل کتاب نیز مطرح شده و شرط آزادی در آن‌ها موضوعیت شرعی نداشته است؛ دوم آنکه تقابل آن با کلمات «مسافحین» نشان می‌دهد که منظور اصلی، پاکدامنی است، نه وضعیت بردگی یا حریت.

اصطلاحات تخصصی

- **مُحْصَنَات:** از ریشه «ح-ص-ن» (حصن به معنای قلعه و دژ). زن عفیف را محصنه می‌گویند زیرا با عفت و پاکدامنی خود، گویی در دژ مستحکمی قرار گرفته و خود را از دستبرد و نگاه‌های آلوده حفظ کرده است.
 - **مُسَافِح:** از ریشه «س-ف-ح» به معنای ریختن. در اصطلاح به زناکار گفته می‌شود، زیرا تنها هدف او ریختن نطفه و ارضای غریزه است، بدون آنکه تعهدی به تشکیل خانواده داشته باشد.
 - **خِذْن (جمع: أَخْدَان):** دوست پنهانی نامشروع در روابط جنس مخالف.
- راه حل تستی:

در برخورد با سؤالات قرآنی، «قاعده پرهیز از حشو» یک ترفند طلایی است. وقتی می‌بینید کلمه محصنات با حرف اضافه «مِنْ» در کنار «المؤمنات» قرار گرفته است، بلافاصله باید متوجه شوید که این کلمه نمی‌تواند معنای «مؤمن و مسلمان» داشته باشد (گزینه ۲ حذف می‌شود). طراحان معمولاً یکی از معانی رایج اما نامرتبط واژه در آیات دیگر (مثل گزینه ۴: آزاد) را به عنوان تله قرار می‌دهند؛ راه فرار از تله، یادآوری کلمات هم‌سیاق در آیه است (تقابل عفت با زنا).

جدول مقایسه‌ای:

ترجمه و مفهوم در آن سیاق	آیه نمونه	وجه معنایی واژه «مُحْصَنَة» در قرآن
جواز ازدواج با زنان پاکدامن	الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ (مائده/۵)	۱. زن عفیف و پاکدامن
حرمت ازدواج با زنی که در حباله نکاح دیگری است	وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ (نساء/۲۴)	۲. زن شوهردار
مجازات کنیزان در صورت ارتکاب فحشا، نصف زنان آزاد است	مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ (نساء/۲۵)	۳. زن آزاد (غیر کنیز)

موضوع سوال:

این سؤال برشی از آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره (مدنی) است که یکی از جامع‌ترین آیات در حوزه حقوق خانواده و احکام شیر دادن به نوزاد (رضاع) به شمار می‌رود. آیه پس از بیان احکام مربوط به مدت شیردهی و حق مشورت والدین برای از شیر گرفتن نوزاد، به موضوع استخدام دایه اشاره کرده و می‌فرماید: «وَأِنْ أُرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ» (و اگر بخواهید برای فرزندان خود دایه بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه آنچه را مقرر کرده‌اید [به عنوان دستمزد] به طور شایسته بپردازید). این عبارت با تأکید بر لزوم پرداخت دستمزد توافق‌شده به دایه (یا مادر شیرده)، مستقیماً استقلال اراده، عمل و حقوق اقتصادی زن را در انعقاد قرارداد و دریافت اجرت به رسمیت می‌شناسد.

سیاق نزول و تقابل با جاهلیت

در نظام قبیله‌ای و پدرسالارانه جاهلیت، زن موجودی وابسته و فاقد اراده حقوقی مستقل تلقی می‌شد. وظایفی نظیر فرزندآوری، شیردهی و رسیدگی به امور منزل، تکالیفی اجباری و بی‌مزد انگاشته می‌شدند و زن حق نداشت برای اعمال خود اراده‌ای مستقل داشته باشد یا طلب دستمزد کند. تشریع احکام رضاع در این آیه، یک انقلاب حقوقی در تقابل با سنت‌های جاهلی بود که اعلام کرد زن (حتی مادر کودک) برای اعمال خود (مانند شیر دادن) صاحب اختیار است و هیچ‌کس نمی‌تواند او را به انجام کاری مجبور کرده یا حاصل عملش را بدون پرداخت حق‌الزحمه مصادره کند.

پاسخ تشریحی:

دلیل علمی و تخصصی انتخاب گزینه «۲» ریشه در مباحث حقوق مدنی و فقهی اسلام دارد. عبارت «سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ» (تسلیم کردن آنچه به عنوان دستمزد مقرر شده)، بیانگر یک «عقد اجاره» شرعی است. در هر عقد حقوقی، دو رکن اساسی «استقلال اراده» (برای پذیرش یا رد قرارداد) و «استقلال عمل» (برای انجام تعهد و دریافت عوض) وجود دارد. وقتی خداوند به مردان دستور می‌دهد که حقوق و اجرت زنان شیرده را به شایستگی بپردازند، در واقع اثبات می‌کند که زن در اسلام «مستقل و متکی بر خویش است» و شخصیت حقوقی او در اراده (تصمیم‌گیری برای شیر دادن) و عمل (استحقاق دریافت اجرت)، کاملاً از مرد مجزاست و دنباله‌رو یا تحت تملک او نیست. این دیدگاه، منطبق با تحلیل علامه طباطبایی در میزان پیرامون استقلال اراده زن در قرآن است.

شبکه معنایی و تفسیر قرآن به قرآن

این بخش از آیه، با مفاهیم آیه ۳۲ سوره نساء (لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ - زنان را از آنچه به دست آورده‌اند بهره‌ای است) در یک شبکه معنایی دقیق قرار دارد. دریافت اجرت برای شیر دادن، مصداق بارز «اكتساب» و بهره‌مندی زن از عمل خویش است. همچنین در بخش قبلی همین آیه (بقره/۲۳۳)، عبارت «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ...» (اگر آن دو با رضایت و مشورت یکدیگر بخواهند کودک را از شیر بگیرند...) صراحتاً اراده زن را در تصمیم‌گیری‌های کلان تربیتی هم‌سنگ و هم‌تراز مرد قرار داده است که بار دیگر استقلال اراده او را تأیید می‌کند.

پیوستار فقهی و حقوقی (تجلی آیات در قوانین)

این آیه شریفه، یکی از محکم‌ترین مستندات قرآنی برای نهاد حقوقی «اجرت‌المثل ایام زوجیت» و مشخصاً حق مطالبه دستمزد برای شیر دادن است. تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی ایران صراحتاً حق مطالبه اجرت برای کارهایی که شرعاً بر عهده زوجه نیست (مانند شیر دادن) را به رسمیت شناخته است. همچنین ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد». این مواد قانونی، تجلی همان استقلال عمل و اراده‌ای است که در آیه مورد بحث تثبیت شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: اگرچه اسلام اختلافات طبیعی و فطری میان زن و مرد را می‌پذیرد (و این موضوع در آیاتی مانند قوامیت مطرح است)، اما عبارت «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ...» که ناظر به پرداخت دستمزد و تنظیم روابط مالی-قراردادی است، هیچ دلالت مستقیمی بر اثبات اختلافات فطری ندارد.



- گزینه ۳: این گزینه از اساس با مبانی قرآنی در تضاد است. زنان در اسلام نه تنها در مسائل اجتماعی تحت قیمومت مطلق نیستند، بلکه حتی در خصوصی‌ترین مسائل خانوادگی (مانند قرارداد شیردهی) دارای استقلال اراده‌اند.
- گزینه ۴: در حالی که اشتراک در مواهب وجودی در آیاتی نظیر «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» مطرح می‌شود، سیاق این آیه صرفاً ناظر بر استقلال عملی و مالی زن است، نه اثبات یکسانی در خلقت تکوینی.

اصطلاحات تخصصی

- **سَلَّمْتُمْ**: از ریشه «س-ل-م»، به معنای تسلیم کردن و پرداختن کامل بدون هیچ‌گونه کاستی و مانع‌تراشی.
- **مَا آتَيْتُمْ**: آنچه دادن آن را بر عهده گرفته‌اید (دستمزد و اجرت دایه یا مادر).
- **بِالْمَعْرُوفِ**: به شیوه پسندیده، عادلانه و متعارف. این قید نشان می‌دهد که استقلال مالی زن نباید با سوءاستفاده، خشونت اقتصادی یا پرداخت‌های تحقیرآمیز مخدوش شود.

راه حل تستی:

در برخورد با این تست، کلیدواژه طلایی فعل «سَلَّمْتُمْ» (پرداخت کردید/تسلیم کردید) است. هر جا در آیات احکام با دستور به پرداخت مال، اجرت یا مهریه به زن مواجه شدید، طراح مستقیماً «استقلال اقتصادی و اراده حقوقی» زن را هدف گرفته است. وقتی کسی مستحق دریافت وجه است، یعنی شخصیت مستقلی دارد که می‌تواند وارد معامله شود (رد گزینه‌های ۱ و ۴ که مفاهیم فلسفی و تکوینی را مطرح کرده‌اند).

جدول مقایسه ای:

جلو‌های استقلال زن در آیه ۲۳۳ بقره	مصدق در آیه	اثر فقهی و حقوقی
استقلال در اراده (حقوقی)	عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ	لزوم موافقت مادر در تصمیمات تربیتی (از شیر گرفتن)
استقلال در عمل (بدنی)	جَوَازُ أُسْتَرْضَاعٍ (گرفتن دایه)	عدم اجبار مادر به شیردهی (ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی)
استقلال در مالکیت (اقتصادی)	سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ	استحقاق اجرت‌المثل عمل برای مادر یا دایه

۷۶. گزینه ۲)

موضوع سوال:

این سؤال به بخش مهمی از آیه ۱۰ سوره مبارکه ممتحنه (مدنی) استناد می‌کند. خداوند در این آیه در خصوص زنان مسلمانی که از مکه به مدینه هجرت می‌کردند، می‌فرماید: «فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ ۚ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ» (پس اگر آنان را زنانی باایمان یافتید، ایشان را به سوی کفار بازنگردانید؛ نه آن زنان بر ایشان [مردان کافر] حلال‌اند، و نه آن مردان بر این زنان حلال می‌شوند). موضوع محوری سؤال، تشخیص اثر حقوقی و شرعی این عبارت است که به صراحت بر خاتمه یافتن و متلاشی شدن پیوند ازدواج پیشین به دلیل اختلاف در دین (کفر و اسلام) دلالت دارد.

سیاق نزول و تقابل با جاهلیت

پس از صلح حدیبیه، مشرکان مکه شرط کرده بودند که اگر کسی از مکه به مدینه گریخت، مسلمانان باید او را بازگردانند. اما هنگامی که زنانی مسلمان شده و به مدینه پناه آوردند، بازگرداندن آن‌ها به معنای اجبار به کفر یا قرار گرفتن تحت شکنجه شوهران مشرکشان بود. نزول این آیه، یک نقطه عطف در تقابل با مناسبات قبیله‌ای جاهلی بود؛ قرآن اعلام کرد که «ایمان»، مرزبندی‌های خونی و پیمان‌های زناشویی پیشین را بازتعریف می‌کند. بر این اساس، اسلام زن، پیمان ازدواج با همسر مشرکش را باطل کرده و رابطه همسری آن‌ها خودبه‌خود قطع می‌شود.

پاسخ تشریحی:

دلیل تخصصی انتخاب گزینه «قطع رابطه همسری»، ماهیت دوطرفه و جامع این عبارت قرآنی است. عبارت «لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ» در فقه اسلامی ناظر بر پدیده «انفساخ نکاح» است. وقتی در یک رابطه زناشویی موجود، زن مسلمان می‌شود ولی شوهر بر کفر خود باقی می‌ماند، شرط «کفویت در دین» از بین می‌رود. این آیه نمی‌خواهد صرفاً یک حکم کلی اخلاقی بدهد، بلکه در مقام انشاء یک حکم فقهی-حقوقی است: از این لحظه به بعد، به دلیل تفاوت در عقیده (توحید در برابر شرک)، هیچ رابطه